



بدون اجرای اصل ۴۴ اقتصاد ایران موزون نیست

اصل ۴۴ فراتر از دو آرمان



سالم نیکبخت
حقوقدان و وکیل دادگستری

چند سال پیش در خیابان ناصرخسرو تهران مردی را دیدم که کارش چینش دانه‌های تسبیح شامقصود بود، او می‌گفت: تسبیحی که دانه‌هایش به درستی چیده نشود نه خوش‌دست است و نه می‌توان با آن ذکر گفت. این سخن عامیانه مرا به یاد گفته استاد فرانسه «دکتر کاتوزیان» انداخت که چهل و اندی سال پیش سر کلاس درس حقوق مدنی فرمود: «برخلاف متن قانون مدنی، شالوده دروس حقوق مدنی در دانشکده طوری چیده شده است که با زندگی انسان هماهنگ است، با بحث اهلیت، تمتع انسان و تملک و ازدواج آغاز و با وصیت و ارث پایان می‌یابد». هرچند در این نوشته مجال توضیح در مورد این گفته استاد نیست، ولی یکی از ویژگی‌های همه قوانین و از جمله قانون اساسی هم باید همین باشد که چون دانه‌های تسبیح شامقصود منظم و مانند هرمی از اصول کلی آغاز شود و راهگشای برآورد نیازهای زندگی انسان باشد.

در تصویب قانون اساسی ایران تا حدودی این نظم مراعات شده، اگرچه در اجرا رعایت نمی‌شود. در این قانون پس از اصول کلی، فصول و اصول بعدی به مسائل خاص مربوط به حیات اجتماعی مردم اختصاص یافته است. در فصل سوم به حقوق ملت و از آن جمله تساوی همه مردم از هر قوم و قبیله و یکسان‌بودن زن و مرد در برخورداری از تمامی حقوق انسانی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پرداخته شده و البته در هیچ‌یک از اصول آن این نسخه که وظیفه زنان به عنوان نصف مردم کشور، خانه‌داری و نگهداری فرزندان است پیچیده نشده است؛ هرچند بخش زیادی از حقوق ملت در ۲۴ اصل این فصل به رسمیت شناخته شده، ولی آن‌طوری‌که مدنظر تصویب‌کنندگان آن بوده اجرا نشده است با این حال نامزدهای پست ریاست‌جمهوری در این دوره به هیچ یک از این اصول نپرداخته و اگر از سر ضرورت به آن اشاره می‌کنند روی آن تمرکز نکرده‌اند. در این میان عدم پرداختن به اصول قانون‌اساسی تنها شامل فصل سوم و حقوق ملت نیست، بلکه اصول فصل چهارم قانون‌اساسی در مورد اقتصاد و امور مالی و از آن جمله اصل ۴۴ که حوزه فعالیت بخش‌های سه‌گانه اقتصاد کشور را تعیین می‌کند با تمام فراز و فرودهای آن نیز فراموش شده است و به این اصل و اجرای کامل آن و نقد اقدامات به عمل آمده در اجرای این اصل نمی‌پردازند.

قانون اساسی به عنوان یک شالوده کلی، چون هرمی همه بخش‌ها و اصول آن به‌هم پیوسته است. اصل ۴۴ نیز به منظور عملی کردن و اجرای اهدافی است که در سایر اصول آمده است؛ تأمین استقلال اقتصادی کشور و ریشه‌کن‌کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای ایرانیان در جریان رشد با حفظ آزادی‌گی



عبدالله ختمی‌فر

نوشتن و گفتن از اصل ۲۲ قانون اساسی برای حقوقدانان و حقوق‌خوانان همچون نفس کشیدن، همدم زندگی حرفه‌ای آنهاست. آنجا که نوشته شده است که «هیچ کس را نمی‌توان بازداشت کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند»، برای هر حقوقدانی در حرفه و کالت، قضاوت، نمایندگی حقوقی و پیگیری و دفاع از حقوق اشخاص پیش آمده است که درخواست بازداشت و دستگیری کسی را به مقام قضایی بدهد یا بخواهد از صدور دستور بازداشت، جلوگیری کند یا اینکه به چنین دستوری اعتراض کند. فرض منطقی این است که هیچ‌یک از ایشان نمی‌خواهند از اجرای قانون خودداری یا از اجرای آن جلوگیری کنند بلکه با برداشت و تفسیری که از قانون تجویزکننده بازداشت قانونی اشخاص دارند، می‌کوشند حقوق همگان

انسان ایرانی و تأمین حقوق سیاسی، اجتماعی و قضایی او آن‌طوری‌که در ۲۴ اصل فصل سوم آن بدون تفسیر محدود آن آمده، اهدافی است که تحقق آن در گرو اجرای درست اصل ۴۴ می‌باشد. خطا است اگر مانند منادیان سیاست‌های دولت بگویم «نمی‌گذاریم کسی شب گرسنه بخوابد» وظیفه رییس‌جمهور و هیأت وزیران متنبوع او در قانون، فراتر از این اظهارات است؛ علاوه بر موارد فوق، تأمین نیازهای اساسی زندگی اجتماعی مردم: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده و نیز فراهم‌کردن شرایط و امکانات کار برای همه بمنظور رسیدن به اشتغال کامل و جلوگیری از وابستگی اقتصادی به بیگانگان و سلطه اقتصادی آنان بر اقتصاد کشور با رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگران، از دیگر وظایف اساسی دولت است.

در راستای اجرای این وظایف، نویسندگان قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح قرار داده‌اند. برای نیل به اهدافی که به ویژه در

قانون اساسی به عنوان یک شالوده کلی، چون هرمی همه بخش‌ها و اصول آن به‌هم پیوسته است. اصل ۴۴ نیز به منظور عملی کردن و اجرای اهدافی است که در سایر اصول آمده است؛ تأمین استقلال اقتصادی کشور و ریشه‌کن‌کردن فقر و محرومیت و بر آوآردن نیازهای ایرانیان در جریان رشد با حفظ آزادی انسان ایرانی و تأمین حقوق سیاسی، اجتماعی و قضایی او آن‌طوری‌که در ۲۴ اصل فصل سوم آن بدون تفسیر محدود آن آمده، اهدافی است که تحقق آن در گرو اجرای درست اصل ۴۴ می‌باشد.

اصول ۴۳ و ۳ قانون اساسی آمده است، قانونگذار ضمن تعیین مرزهای هریک از بخش‌ها، دولت را ملزم کرده که با تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که ساعات کار چنان باشد که هر فرد، علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی، اجتماعی و شرکت فعال در امور کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته و مانع انحصار و احتکار و اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات شود. نویسندگان با تصویب اصل فوق و پیش‌بینی حوزه فعالیت سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی در واقع هم خواهان ادامه استفاده از امکانات عظیم دولت در بخش‌هایی بودند که در آن زمان در توان دو بخش دیگر نبود و هم خواهان به‌کارگیری سرمایه و توان مالی و مدیریتی بخش خصوصی در همه زمینه‌های اصلی رشد و توسعه اقتصاد کشور اعم از کشاورزی، صنعتی، بازرگانی و خدمات بودند. افزون بر این نویسندگان قانون اساسی فراتر از دو بخش دولتی

سیاست



یادداشت

اصل ۲۶ قانون اساسی و انتظار مردم



پیمان حاج‌محمود*

اصل ۲۶ قانون اساسی یکی از اصول این قانون در فصل سوم یعنی فصل مربوط به حقوق ملت است. این فصل و اصول مندرج در آن به گونه‌ای تدوین شده است که دولت‌ها موظف به رعایت مفاد آن به صورت تمام و کمال می‌باشند و نمی‌توانند با تصویب قوانین عادی از اجرای تمام یا بخشی از این اصول که مربوط به حقوق ملت ایران می‌باشد جلوگیری کنند و یا با تصویب برخی قوانین، اجرای این اصول را محدود سازند.

اصل ۲۶- احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری‌اسلامی را نقض نکنند. در اجرای این اصل لازم‌الرعایه در شهریور ۱۳۶۰ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

به‌موجب این قانون، برای نحوه و چگونگی فعالیت احزاب و انجمن‌ها تکلیفی مقرر شد.

صرف‌نظر از اینکه برخی از حقوقدانان و مدافعان حقوق بشر با تصویب چنین قوانین عادی‌ای که محدودکننده اصول قانون اساسی آن‌هم در فصل حقوق ملت شود، مخالفند ولی همین میزان نیز چنانچه به منصفه اجرا می‌رسید منشأ خیرات و برکات فراوانی در فضای دموکراسی‌خواهی کشور می‌شد. در این بین وظیفه و تکلیف دولت و قوه مجریه چیست؟

در قانون عادی پیش گفته متولی اجرای قانون وزارت کشور و به‌ویژه کمیسیون ماده ۱۰ اینن قانون (موسوم به کمیسیون ماده ۱۰ احزاب) تعیین شده است.

با توجه به اینکه متولی و مجری ق‌لون در صدور پروانه فعالیت احزاب و نظارت برعملکرد احزاب دولت و وزارت کشور تعیین شده است، مسلماً دولت‌ها و به‌ویژه ریاست‌جمهوری در هر دوره، درقبال اینگونه فعالیت‌های صنفی و مردمی و غیرحکومتی، مسوولیت مستقیم دارد.

در دوران هشت‌ساله ریاست‌جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی، عملکرد دولت و به‌ویژه وزارت کشور در خور توجه بود و بسیاری از انجمن‌ها و نهادهای مردم‌مدار در این‌دوران موفق به دریافت پروانه فعالیت از وزارت کشور شدند و به فعالیت خود ادامه دادند.

متأسفانه در دوره هشت‌ساله ریاست‌جمهوری محموداحمدی‌نژاد این آمار به حد قابل توجهی کاهش یافت و نه‌تنها تعداد اندکی موفق به اخذ پروانه فعالیت نشدند بلکه از سوی دولت، پروانه تعدادی از احزاب و کانون‌های مردمی که در دوره‌های پیشین اجازه فعالیت داشتند در دوره اخیر یا باطل شد

و یا تمدید نشد. اینن نقیصه قابل‌توجه دولت آقای احمدی‌نژاد که متأسفانه تاکنون در رسانه‌های گروهی کمتر به آن توجه شده است یکی از نواقضی است که با اساس و بنیان سogندی که ایشان بابت پاسداری از اصول قانون اساسی در حضور نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و با حضور رییس قوه‌قضاییه خord منافات دارد. رییس‌جمهوری اگر نمی‌توانست پاسدار برخی از اصول قانون اساسی باشد مسلماً در موضوع پاسداری از اصول حقوق ملت به‌ویژه در امر فعالیت احزاب و نهادهای مردمی به‌عنوان یگانه متولی این حقوق در ادای وظیفه کوتاهی کرده است.

***وکیل دادگستری**

ادامه از صفحه ۸

مبحث اول — ریاست‌جمهوری و وزراء

اصل یکصد و سی‌ام: رییس‌جمهور استعفاۓ خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفاۓ او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد.

ی‌سا بیماری بیش از دو ماه رییس‌جمهور ی‌سا در موردی که مدت ریاست‌جمهوری پایان یافته و رییس‌جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رییس‌جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسوولیت‌های وی را برعهده می‌گیرد و رییس‌جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت ۵۰ روز رییس‌جمهور جدید انتخاب شود. در صورت فوت معاون اول یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی شود و نیز در صورتی که رییس‌جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

اصل یکصد و سی و دوم: در مدتی که اختیارات و مسوولیت‌های رییس‌جمهور برعهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌شود، وزرا را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رای عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی یا امر همه‌پرسی اقدام نمود.

اصل یکصد و سی و سوم: وزرا توسط رییس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رای‌اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رای اعتمد جدید برای وزرا لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هریک از آنان را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و سی و چهارم: ریاست‌هیأت‌وزیران با رییس‌جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ‌ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خطمشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف نظر یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رییس‌جمهور اتخاذ می‌شود، لازم‌الاجرا است. رییس‌جمهور در برابر مجلس مسوول اقدامات هیأت وزیران است.

اصل یکصد و سی و پنجم: وزرا تا زمانی که عزل نشده‌اند یا بر اثر استیضاح یا درخواست رای اعتماد، مجلس به آنها رای عدم‌اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند. استعفاۓ هیأت وزیران یا هریک از آنان به رییس‌جمهور تسلیم می‌شود و هیأت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد. رییس‌جمهور می‌تواند برای وزرا: تخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین کند.

اصل یکصد و سی و ششم: رییس‌جمهور می‌تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رای اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نبمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رای اعتماد کند.

اصل یکصد و سی و هفتم: هریک از وزیران مسوول وظایف خاص خویش در برابر رییس‌جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسوول اعمال دیگران نیز هست.



اصل یکصد و سی و هشتم: علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مامور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هریک از وزیران نیز درحدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های مختلف شرکت‌های خصوصی، جز مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رییس‌جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رییس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین باید با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد.

اصل یکصد و سی و نهم: صلح دعای راجع به اموال عمومی و دولتی یا اراضی آن به داری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی، خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و چهلم: رسیدگی به اتهام رییس‌جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

اصل یکصد و چهل و یکم: رییس‌جمهور، معاونان رییس‌جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت‌دیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و موسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی از، این حکم مستثنا است.

اصل یکصد و چهل و دوم: دارایی رهبر، رییس‌جمهور، معاونان رییس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رییس قوه قضاییه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته‌باشد.